

## دولت پزشکیان و مشکلات و امکانات وفاق ملی

حمیدرضا جلائی پور

### طرح بحث

بیش از سه ماه است که از شروع به کار دولت پزشکیان، که شعار اصلی اش «تقویت وفاق ملی» بوده، می گذرد (۱). در همین راستا این نوشته قصد دارد به سه سوال پاسخ دهد: خصیصه اصلی دولت پزشکیان چیست؟ ایده «دولت وفاق» و «وفاق ملی» چه نسبتی با دولت پزشکیان دارد؟ مشکلات و امکانات دولت پزشکیان برای نزدیک شدن به وفاق ملی چیست؟

### خصیصه دولت

دولت پزشکیان یک دولت کامل و مجهز برای حرکت در راه توسعه کشور نیست. در واقع خصیصه اصلی دولت پزشکیان «ترکیبی» و «توافقی» بودن آن است. ترکیبی به این معنا است که اعضای کابینه از یک گروه یا یک جناح سیاسی تشکیل نشده است. اعضای آن از اصلاح طلبان، اصول گرایان میانه، اعتدالیون و مستقلین تشکیل شده اند. به تعبیر دیگر اعضای آن از میان اعضای کابینه دولت های رئیسی، روحانی و خاتمی تشکیل شده است. کابینه او البته خالص گرا نیست و از یک جریان اصول گرای رادیکال تشکیل نشده است و اعضای آن متشکل و ترکیب شده از چند جریان سیاسی است (۲).

ضمناً این کابینه ترکیبی، از نزاع میان گروه ها و نیروهای درون حاکمیت تشکیل نشده است بلکه اعضای این کابینه حاصل گفت گو و «توافق» میان پزشکیان با بیت رهبری و افراد موثر میان اصول گرایان، اصلاح طلبان و عناصر فعال در ستاد انتخاباتی خود پزشکیان، است (۳). به غیر از ترکیبی و توافقی بودن، در مجموع اعضای کابینه پزشکیان «کاربلد» نیز هستند. برای شناسایی این کاربلدان کمیته های تخصصی شناسایی وزیران که زیر نظر جواد ظریف در ریاست جمهوری شکل گرفت، نقش موثر داشت (۴).

### شعار دولت وفاق و وفاقی ملی

پزشکیان در هنگام معرفی کابینه اش به مجلس صریحاً اعلام کرد که دولتش به دنبال «وفاق ملی» است. این سخن پزشکیان به چه معنا است؟ اول این که پزشکیان همانطور که اشاره شد کابینه اش یک کابینه خالص گرا نیست، بلکه کابینه ای است که از طریق توافق میان نیروهای حاکمیتی و نیروهای سیاسی مورد قبول نظام بدست آمده است. دوم این که در جامعه کنونی ما روشن است که فعلاً «وفاق ملی» نیست. بعنوان نمونه در جامعه ما انواع شکاف های اجتماعی و ناترازی ها وجود دارد، بطوری که در دور اول انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری شصت در صد مردم در انتخابات شرکت نکردند. در واقع دولت پزشکیان با این شعار می خواهد بگوید دولت من می خواهد در جهت توسعه ایران و تقویت وفاق ملی گام بردارد، و این به معنای این نیست

که حتما این کابینه غیر یکدست می‌تواند محکم در راه وفاق ملی گام بردارد. بلکه در واقع تقویت وفاق ملی یک هدف است که دولت می‌خواهد به آن نزدیک شود. به بیان دیگر هم اکنون وفاق ملی در جامعه قوی نیست، کور سوی امیدی هست که این وفاق تقویت شود. حال ببینیم در راه وفاق ملی دولت پزشکیان با چه مشکلات و امکاناتی روبرو است.

### مشکلات حرکت در راه وفاق

۱. اولین مشکل حرکت در راه وفاق، ورود اسرائیل در حالت جنگ در سایه با ایران است. اسرائیل در روز اول کار دولت پزشکیان اسماعیل هنیه رهبر صلح‌جوی حماس را در تهران، در حالی که میهمان ایران بود، ترور کرد و به شهادت رساند. پس از آن ایران دو ماه خویشتنداری کرد و به اسرائیل واکنش نشان نداد. اما دولت نتانیاهو با عملیات پیجری بیش از پنج هزار نفر از شیعیان جنوب لبنان را زخمی و دو هزار نفر را شهید کرد. اسرائیل رهبر حزب‌الله لبنان و سردار سپاه، نیلفروشان، را بمباردمان و شهید کرد و سفیر ایران در سوریه را با پیجر مجروح کرد.

بدین سان ایران مجبور شد عملیات وعده صادق دو را به تلافی انجام دهد. عملیاتی که موشک‌های بالستیک ایران پایگاه‌های نظامی داخل خاک اسرائیل را هدف قرار داد. از آن پس اسرائیل ایران را تهدید می‌کند که به زودی واکنش نشان می‌دهد. روشن است که این شرایط شبه جنگی تا انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و آتش بس در غزه و لبنان ادامه پیدا کند، و این فضای شبه جنگی یکی از مشکلاتی است که دولت پزشکیان نتواند در جهت وعده‌هایی که به مردم داده است عمل کند. بعنوان نمونه در همین مدت انرژی وزارتخارجه ایران صرف خنثی کردن توطئه‌های نتانیاهو در کشورهای همسایه شده است نه ارتقای روابط خارجی ایران برای توسعه اقتصادی کشور. اگر در روزهای آینده اسرائیل در واکنش موشکی خود ضربه سختی به ایران وارد کند، جمهوری اسلامی هم واکنش سخت نشان خواهد داد، و چه بسا خدایی نکرده، محیط سیاسی کشور شبه جنگی شود، و هدف توسعه و وفاق کمی به حاشیه خواهد رفت.

۲. غیر از مشکل شرایط شبه جنگی فوق، دومین مشکل دولت پزشکیان عدم صراحت در اولویت‌های برنامه‌ای است. به این معنا که روشن نیست دولت توافقی او قصد دارد به کدام عناوین برنامه‌ای اولویت بدهد و سرتیم‌های پیگیری این اولویت‌ها چه وزرایی هستند. به نظر می‌رسد دولت پزشکیان در کلام و تبلیغات دوست دارد در جهت توسعه کشور کارهای خوبی را انجام دهد، ولی این کارهای خوب و تیم‌های پیگیری آن درست دسته بندی نشده‌اند.

روشن نیست مهمترین اولویت او در مدیریت کشور، روی چه محورهایی است. آیا مهمترین اولویت دولت او سیاست خارجی است و بازگرداندن توازن به سیاست خارجی میان میدان و دیپلماسی است؟ بهبود رابطه موثر و همزمان با چین، روسیه، اروپا و آمریکا چگونه امکان‌پذیر است؟ هم اکنون اسرائیل، اروپا و آمریکا را علیه ایران بسیج کرده و چین و روسیه و کشورهای عربی در این رابطه سکوت کرده‌اند. روشن نیست دولت پزشکیان

برای فعال کردن دیپلماسی جمهوری اسلامی چه برنامه‌ای دارد و چرا از ظرفیت دیپلمات‌های برجسته‌ای چون جواد ظریف در این شرایط حساس شبه جنگی استفاده نمی‌شود.

آیا اولویت اصلی دولت پزشکیان عبور ایران از بحران اقتصادی (تورم دو رقمی، رشد پایین، فقدان سرمایه‌گذاری، ...) است؟ چگونه و با چه تیم و سرتیمی قصد چنین کاری را دارد؟ آیا قرار است تیم اقتصادی را عبدالناصر همتی یا علی طیب‌نیا و یا محمدرضا عارف سرپرستی کند؟ این امور روشن نیست. یا هنوز معلوم نیست دولت طبق قولی که داده است کی و توسط چه کسی می‌خواهد کندی سرعت اینترنت و رفع فیلترینگ و مشکلات برخورد ماموران نیروی انتظامی با زنان و وسایل نقلیه آن‌ها را حل کند؟

به بیان دیگر تمرکز موضوع اصلی کار دولت در فرصت پیش رو معلوم نیست، توسعه در سیاست خارجی است یا توسعه اقتصادی یا توسعه سیاسی است. یا این که ظاهراً دولت می‌خواهد در هر زمینه‌ای کاری انجام بدهد. برداشت من این است که دولت پزشکیان با توجه به مقدراتش در دو زمینه می‌تواند تمرکز بدهد و پس از چهار سال دستاورد داشته باشد. یکی در زمینه «توسعه اجتماعی» است. یعنی بتواند به کیفیت آموزش همگانی و تحصیلات عالی و به کیفیت بهداشت، درمان و نظام سلامت از منظر عدالت اجتماعی بپردازد. یا می‌تواند دولت کاری بکند که از طریق دستگاه دولت کمتر مزاحمت برای شهروندان از زاویه تحمیل سبک زندگی ایجاد شود. توسعه اجتماعی کمتر بودجه می‌خواهد و کمتر مخالف دارد، و دولت پزشکیان می‌تواند بر آن تمرکز دهد و در راه رضایت مردم بکوشد. زمینه دوم این که دولت می‌تواند به دیپلماسی متوازن در ایران دامن بزند (که در ادامه اشاره می‌کنم)

۳. سومین مشکل، کارشکنی نیروهای خالص‌گرا خصوصاً از طریق صداسیما علیه دولت پزشکیان است. متأسفانه این نیرو درک واقع‌نگرانه‌ای از موقعیت کشور در جهان ندارد، به علل ساختاری مشکلات و ناترازی‌های داخل کشور بی‌توجه است. از طرف دیگر این نیروی ضد توسعه با شعارهای به ظاهر انقلابی که می‌دهد با شبکه منافع اقتصاد سیاسی پنهان کشور مرتبط است. به بیان دیگر سیاست‌های خالص‌گراها از یک طرف در برابر سیاست‌های توسعه‌ای کشور است و به ضرر مردم ایران است و از طرف دیگر گروه‌های همسود پنهان، ذینفع اقتصاد رانتی و تحریمی کشور هستند. به بیان دیگر تداوم بحران اقتصادی میلیون‌ها مردم را آزار می‌دهد اما به گروه‌های ذینفع به ظاهر انقلابی سود می‌رساند-بهترین و آخرین نمونه آن فساد میلیارد دلاری در چای دیش بود. این نیرو مرتب می‌تواند در برابر کارهای دولت پزشکیان کارشکنی کند.

### امکانات در راه وفاق

در کنار مشکلاتی که دولت پزشکیان در راه تقویت وفاق ملی با آن روبرو است، این دولت از امکاناتی بر خوردار است، که می‌تواند از آن‌ها در این راه استفاده کند، که در زیر به پنج امکان اشاره می‌کنم. (البته پیش فرض ذکر این پنج امکان این است که در ۱۴۰۳ ایران با شرایط جنگی روبرو نشود.)

۱. در دوره ریاست جمهوری پزشکیان، در ایران بیش از گذشته نیروی نخبه و شایسته وجود دارد. و تجربه کارگزاران دولت‌های میرحسین موسوی، اکبر هاشمی رفسنجانی، محمد خاتمی، محمود احمدی‌نژاد، حسن روحانی و ابراهیم رئیسی می‌تواند در اختیار دولت پزشکیان قرار گیرد. این دولت از حیث نیروی کیفی انسانی کمتر با کمبود روبرو است.

۲. در زمان دولت حسن روحانی بیت رهبری و سپاه پاسداران بعنوان دو رکن مهم قدرت سیاسی، ارتباط حمایتی با این دولت نداشتند. اما در دوره پزشکیان بخاطر بحران‌هایی که کشور با آن روبرو است بیت رهبری و سپاه از موفقیت دولت پزشکیان در عمل دفاع می‌کنند. در مقام مقایسه با قبل این یک امکان برای دولت پزشکیان است.

۳. از سال ۸۴ به بعد، هسته اصلی قدرت با استراتژی توسعه در کشور، بعنوان نوعی غرب‌گرایی و دین‌زدایی، دست به مخالفت می‌زد. و در جریان این مخالفت، این هسته برای کنترل اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان میانه‌رو از اصول‌گرایان رادیکال حمایت کرد. یا همان خالص‌گرایانی که در انتخابات مجلس دوازدهم غیر قابل کنترل شدند. اما پس از انتخابات مجلس دوازدهم هسته اصلی قدرت در حال کنترل جریان تندروی خالص‌ساز و ضد توسعه هست. و این می‌تواند یک فرصت برای دولت پزشکیان باشد. به بیان دیگر در شرایط کنونی کمی شاخ خالص‌گرایان شکسته است. اما این نیرو در دولت خاتمی در خیابان وزیر کتک می‌زد و یا در دوره حسن روحانی در صداسیما علیه برجام می‌تاخت.

۴. مکان بعدی این است که شرایط کمی در جهت بازبینی دیپلماسی کشور به نفع توسعه تغییر کرده است. پس از رخداد هفت اکتبر در ۱۴۰۲ در غزه، که حماس ضربه مهلکی به اسرائیل زد و شبکه مقاومت جمهوری اسلامی در منطقه (حزب‌الله در لبنان، حوثی‌ها در یمن، حشدالشعبی در عراق و ...) از جنبش مقاومت فلسطین و حماس حمایت کردند. و زان پس دولت نسل‌کش نتانیاهاو با کمک دولت آمریکا و کشورهای غربی با شبکه مقاومت درگیر شدند. این درگیری حاد بیش از یک سال طول کشیده و ادامه دارد. پنجاه هزار نفر در غزه جان باختند و صد هزار نفر زخمی شدند و در لبنان حزب‌الله هفت هزار زخمی و دو هزار شهید داد. سید حسن نصرالله رهبر حزب‌الله و نماینده سپاه (نیل‌فروشان) با بمباردمان وحشیانه هواپیماهای اسرائیلی شهید شدند. و این شرایط جنگی در زمان نوشتن این مقاله (آبان ۱۴۰۳) ادامه دارد و حتی یک شبه جنگ موشکی میان اسرائیل و ایران اتفاق افتاده و تهدیدات اسرائیل همچنان ادامه دارد.

به نظر می‌رسد صحنه نظامی فوق شرایطی را برای بازبینی در دیپلماسی ایران فراهم کند. زیرا تقویت شبکه مقاومت و دفاع متقارن ایران به این منظور بود که جنگ و ناامنی به داخل خاک ایران کشیده نشود، و دفاع ایران در منطقه صورت بگیرد نه در خاک ایران. اما وقایع یک ساله آثار جنگ را به داخل ایران کشیده است. لذا برای هسته قدرت زمینه‌ای ایجاد می‌شود که درباره استراتژی دفاع ملی و سیاست مبتنی بر شبکه بازدارندگی بازبینی انجام دهد. دو موضوع دیگر هم این بازبینی را ضروری‌تر کرده است.

یکی این که اگر خدایی نکرده آثار جنگ در ایران جدی تر شود، مهمترین پایه قدرت جمهوری اسلامی پایه حمایت مردمی است. در حالی که هم اکنون برخلاف دهه شصت و دوره جنگ تحمیلی فاصله و شکاف بین مردم و حکومت زیاد است. طبق نظرسنجی موج چهارم وزارت ارشاد در سال ۱۴۰۲ نود درصد مردم از اوضاع ناراضی هستند. و یکی از علل ناراضی‌ها ناراضی‌های معیشتی است. و برای درمان ناراضی‌های معیشتی ایران راهی ندارد مگر این که توسعه اقتصادی پیدا کند و توسعه اقتصادی به دیپلماسی متوازن و اقتصادگرا نیاز دارد. لذا به نظر می‌رسد برخلاف دهه نود که بخشی از خود حاکمیت از سیاست خارجی مبتنی بر برجام دفاع نمی‌کرد، الان شرایطی فراهم شده که هسته اصلی قدرت پس از انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا و آتش‌بس در غزه و لبنان به سوی دیپلماسی فعال و متوازن حرکت کند و این می‌تواند امکانی برای دولت پزشکیان در جهت توسعه کشور باشد.

۵. امکان دیگر ناکامی مجدد سرنگونی‌طلبان در افکار عمومی ایرانیان هست. اگر شرایط شبه جنگی فعلی با آتش‌بس در خاورمیانه متوقف شود، پیگیری هدف توسعه و وفاق ملی برای دولت پزشکیان آسان تر می‌شود. زیرا سرنگونی‌طلبان که به رسانه‌های اسرائیلی مجهز هستند و در فضای مجازی به بیم و هراس مردم دامن می‌زنند شکست دومی را دریافت خواهند کرد. شکست اول آن‌ها در نزاع داخلی بود. آن‌ها در جریان خیزش اعتراضی و مدنی مهسا در پاییز ۱۴۰۱ که قصد داشتند با تشکیل شورای رهبری جورج‌تاون حکومت را سرنگون کنند، شورا تشکیل نشده از هم پاشید و شکست خوردند. شکست دوم آن‌ها در نزاع خارجی است. بدین معنا که وقتی اسرائیل در غزه و لبنان (در ضربه زدن به حماس در به شهادت رساندن سنوار و در لبنان در به شهادت رساندن رهبر حزب‌الله) پیروزی تاکتیکی بدست آورد و ایران را تهدید کرد، سرنگونی‌طلبان دوباره خیز برداشتند، و وابستگی خود را به دولت نسل‌کش اسرائیل نشان دادند. و دوباره هوس سرنگونی در سر پروراندند. روشن است تکیه بر قدرت رذل خارجی مثل اسرائیل نسل‌کش از ابتدا محکوم به شکست هست. این شکست سرنگونی‌طلبان در نزاع داخلی و خارجی در میان مدت این شرایط شبه جنگی را رفع می‌کند و زمینه بهتری برای توسعه کشور از سوی دولت فراهم می‌شود. (این امکان پنجم بر این فرض مبتنی است که تبادل موشک بین اسرائیل و آمریکا موقتی باشد و با روی کار آمدن ترامپ و کابینه اسرائیلی‌اش آمریکا به درگیری دائمی نکشد).

دولت پزشکیان با توجه به مشکلات و امکاناتی که اشاره شد، می‌تواند در چهار سال آینده با تقویت وفاق ملی، و تعیین اولویت‌ها از بحران‌های جامعه کمی بکاهد و انتخاباتی بعدی را با مشارکت بیش از پنجاه درصد مردم برگزار کند. به شرطی ایران بتواند از پیچ شبه جنگی ایجاد شده از سوی نتانیاهو عبور دهد.

## پی‌نوشت‌ها.

۱. پزشک‌یان در تاریخ ۱۵ تیرماه ۱۴۰۳ رئیس‌جمهور شد و در تاریخ ۳۱ مرداد توانست از مجلس دوازدهم برای همه وزرای کابینه‌اش رای اعتماد بگیرد و شروع بکار کند. در جریان گفت‌گوی پزشک‌یان در مجلس، او بارها بر ضرورت توافق ملی تاکید کرد .

۲. بعنوان مثال این کابینه ترکیبی عبارت بود از: وزرای کشور ، اطلاعات، آموزش و پرورش از جناح اصول‌گرا و وزرای بهداشت و درمان، علوم و آموزش عالی، کار و رفاه، اقتصاد و دارایی، میراث فرهنگی از جناح اصلاح‌طلب و بقیه وزرا از جناح اعتدال‌گرا و مستقلین هستند .

۳. با حکم پزشک‌یان جواد ظریف ماموریت یافت تا با تشکیل کمیته‌های تخصصی افراد شایسته را برای وزارتخانه‌ها پیشنهاد کنند. این کمیته‌ها ابتدا معیارها را مشخص کردند و برای هر وزارتخانه چندین نفر به پزشک‌یان معرفی شد.

۴. البته جواد ظریف پس از پایان کار کمیته‌های تخصصی (که حدود چهارصد کارشناس را در بر می‌گرفت) اعلام کرد که حدود شصت در صد افرادی که از سوی کمیته‌ها به رئیس‌جمهور معرفی شدند در لیست نهایی پزشک‌یان در معرفی به مجلس قرار گرفت .